

**Reproduction of the crypts of the poem "All the things in our time are ta'wada" (based on Roland Barthes' theory of the five crypts)**

Golafrooz Mohebbi.

PhD student in Arabic language, Kashan University

Ruhollah Sayadi Nejad.<sup>1</sup>

Associate Professor of Arabic Department, Kashan University

Amirhossein Rasool Nia.

Associate Professor of the Arabic Department of Kashan University

Abbas Eghbali.

Professor of Arabic Department, Kashan University

**Abstract**

Structural criticism is one of the analyses that flourished in the direction of meaning generation in the 20th century following Saussure's semiotics. "Roland Barthes" - a French semiotician and theorist - is among the critics of structuralism, the importance of his theories is in the pursuit of evolution and semiotic adventure and the creation of a kind of intellectual vitality in analysis, modern criticism and the flow of structuralism. He has presented a code-based model for text analysis, beyond which, with the help of the context of the text, it is possible to analyse the structure of different texts, without the need for the presence of the author, and only with the help of the expressive language of the text. This meaning-making model, which recognizes ciphers as the voice of the text, consists of; There are hermeneutic or enigmatic codes, proiretic or active codes, meaningful or implicit codes, symbolic or confrontational codes, and cultural or referential codes. The main goal of this article is the application of Barth's analysis approach to the meaning analysis and interpretation of the written text (Lekol" Amree Min Dahreh Ma Ta'awda) by Motanbi, which is based on descriptive-analytical method. The result of the research shows that Barth's cryptography model shows the presence of ciphers in different parts of the body of the text, which shows a kind of semantic dispersion at the level of the text, and it can also be applied to classical poems. Revealing hermeneutic codes the poem is for the introduction of Saif al-Dawlah. Action codes, it also narrates his fighting as the main actor. Semantic ciphers and symbolic in pursuit of creating meaning for the two main and active characters of the text, Saif al-Dawlah and Mantabi, they have put two groups of good and evil in front of each other. The cultural macrocodes of the text also show its connection with the social and religious elements of power, acquisition and ideology and influence from them which is written in the final part Intertextuality with Nahj al-Balagha is used to create some kind of general information for the reader.

---

<sup>1</sup> Corresponding auther. Email: Saiiadi57@gmail.com

بازتولید رمزگان سروده «لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْ دَهْرِهِ مَا تَعَوَّدَا» متنبی

(بر اساس الگوی رمزگان رولان بارت)

گل افروز محبی. (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان. ایران.)

روح‌الله صیادی‌نژاد. (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان. ایران. نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

امیرحسین رسول‌نیا. (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان. ایران.)

عباس اقبالی. (استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان. ایران.)

#### چکیده

نقد ساختاری از جمله تحلیل‌هایی است که در راستای معنایابی در قرن بیستم و در پی نشانه‌شناسی سوسوری به شکوفایی رسید. «رولان بارت» - نشانه‌شناس و نظریه‌پرداز فرانسوی - از جمله منتقدان ساختارگرایی است که اهمیت نظریات‌اش در پی تحول‌زایی و ماجراجویی نشانه‌شناختی و ایجاد نوعی نشاط فکری در تحلیل‌ها، نقد مدرن و جریان ساختارگرایی می‌باشد. وی مدلی را مبتنی بر رمزگان جهت تحلیل متن ارائه نموده است که از ورای آن و با کمک بافت متن می‌توان بدون نیاز به حضور مؤلف و تنها به کمک زبان گویای متن به تحلیل ساختار متون مختلف پرداخت. این مدل معنا ساز که رمزگان را صدای متن می‌شناسد مشکل از رمزگان هرمنوتیک یا معمایی، رمزگان پروآیترتیک یا کنشی، رمزگان معنابنی یا ضمنی، رمزگان نمادین یا تقابلی و رمزگان فرهنگی یا ارجاعی است. هدف اصلی این مقاله، کاربرد رویکرد تحلیل بارت جهت معناکاو و تفسیر متن سروده‌ی «لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْ دَهْرِهِ مَا تَعَوَّدَا» اثر متنبی است که مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی است. دستاورد تحقیق بیان‌گر آن است که مدل رمزگانی بارت گویای حضور رمزگان در نقاط مختلف پیکره‌ی متن است و نوعی پراکندگی معنایی در سطح متن را نمایان می‌سازد که بر متون منظوم کلاسیک نیز قابل اجراست. ظهور رمزگان معمایی سروده جهت معرفی سیف‌الدوله است. رمزگان کنشی نیز جنگاوری وی را به‌عنوان کنش‌گر اصلی، روایت می‌کند. رمزگان معنایی و نمادین در پی معناسازی برای دو شخصیت اصلی و فعال متن یعنی سیف‌الدوله و متنبی دو گروه خیر و شر را در مقابل هم قرار داده‌اند. کلان‌رمزگان فرهنگی متن نیز نشان‌گر پیوند آن با عناصر اجتماعی و اعتقادی قدرت، تکسب، ایدئولوژی و تأثیرپذیری از آنهاست که در قسمت پایانی سروده نوعی معلومات عمومی را برای خواننده خلق می‌نماید.

کلیدواژگان: ساخت‌گشایی، نشانه‌شناسی، رمزگان، رولان‌بارت، متنبی.

## 1. مقدمه

یکی از راه‌های رسیدن به لایه‌های فکری ادیب، واکاوی اثر وی و شناخت نشانه‌های بافت متنی است. گویا نویسنده در گوشه‌گوشه‌ی بافتار اثر خویش، نظامی از نشانه‌ها را چنان به‌کار می‌گیرد تا به‌کمک آن‌ها مخاطب را به مقصد مورد نظرش راهنمایی کند. هر چیزی در نظام نشانه‌ها سخن می‌گوید (ایکو، 2005: 62-57). کارکرد نشانه‌ها در متون مانند چراغ‌های راهنمایی است که در نبود ادیب، خود توانایی رساندن خواننده به مدلول را داراست. نشانه به اصطلاحات دال و مدلول برمی‌گردد (هلیدی، 1393: 49) که محور اصلی بحث بسیاری از نظریه‌های نشانه‌شناسان به‌شمار می‌رود. از آن‌جاکه دال نزد هر کسی به مدلولی ملموس با شرایط فردی او برمی‌گردد؛ لذا مدلول‌های فراوانی نمود پیدا می‌کنند. نشانه باید نمود ملموسی داشته باشد تا با حواس انسانی قابل درک باشد (احمدی، 1399ش: 35). پیدایش مدلول و معنی در فرآیند نوشتاری، مؤید نظریه‌ی واسازی «دریدا» است که در آن نوشتار به حضور نویسنده نیاز ندارد.

رولان بارت با گذر از نگاه ساختارگرایی در دهه‌ی هفتاد قرن بیستم از پرچمداران این نگاه دریدایی و پس‌اساختارگرایی است. در این عصر، جریان نشانه‌شناسی از سوسور فاصله می‌گیرد (تشاندر، 2008: 42-39) و به این نگرش پس‌اساختارگرایانه‌ی دریدایی می‌رسد. اما بارت با طرح مباحثی چون متن یک لذت است و خوشی متن معمولاً روش بیان آن است (Barthes, 1980: 7) و نیز پرده‌برداری از وجهه‌ی رمزگانی متون ادبی، مورد توجه نشانه‌شناسان واقع می‌شود. وی نظریه‌ی رمزگان پنج‌گانه را به‌عنوان کدهای متعدد تنیده در متن مطرح می‌کند که با نگاهی همه‌جانبه به دال‌های متن از آن‌ها در پنج سطح رمزگان هرمنوتیکی<sup>1</sup> یا چیستانی، رمزگان پروآیروتیک<sup>2</sup> یا کنشی، رمزگان معنایی<sup>3</sup>، رمزگان نمادین<sup>4</sup> و رمزگان فرهنگی<sup>5</sup> یاد می‌کند. این نوع رمزگان که در جاهای مختلف متن گویای نوعی پراکندگی معنایی در بافت متن است و با شناسایی آن‌ها می‌توان به نظامی از مدلول‌ها رسید که معنی را بیان می‌کنند.

براساس آنچه که گفته شد پژوهش حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای، الگوی رمزگانی بارت را در خوانش مدیحه‌ای از متنی (قرن چهارم) به‌کار گیرد. هدف از این پژوهش معرفی الگوی رمزگانی بارت و تبیین روش نظام‌مند وی در باب تحلیل رمزگانی متون به مثابه درک جمع از متن است. نگارندگان در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر هستند:

1. رمزگان معمایی در سروده متنی چه معانی را به خواننده القا می‌نماید؟
2. رمزگان پروآیروتیکی در سروده در راستای معرفی کدام شخصیت است؟
3. با استفاده از رمزگان ضمنی کدام مدلول‌ها را می‌توان پیرامون شخصیت سیف‌الدوله کشف کرد؟

4. با کاربست رمزگان تقابلی چه تضادها و تقابلهایی میان دو شخصیت اصلی سروده یعنی سیف‌الدوله و متنبی دیده می‌شود؟

5. با کاربست رمزگان فرهنگی پی به کدامین ویژگی اصلی روزگار شاعر می‌بریم؟

بدیهی است که فرضیه‌ی اساسی این پژوهش مبنی بر این است که الگوی رمزگان بارت با پیش‌کشیدن موضوع دلالت‌مندی بر آن است تا جزء جزء بافت متن را مورد کاوش قرار دهد و صداهاى نهفته در متن را بازشناساند تا از حصار ساختارگرایی فراتر رفته و متوجه توانش نوشتار شود. در ادامه پس از ارائه‌ی پیشینه‌ای مختصر در این باب به واکاوی رمزگانی بارت و کاربست آن در خوانش سروده پرداخته می‌شود.

### 1. 1. پیشینه‌ی مطالعات

از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی که با موضوع نظریه رمزگان رولان بارت و دیوان متنبی صورت گرفته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

محمد رحیمی‌خوئیگانی و همکاران (1391ش) در مقاله «داستان «إبلیسُ ینتصر» توفیق حکیم از منظر ساختارگرایی بارت» مهم‌ترین یافته‌های پژوهش خویش را چنین بیان می‌کنند که مدل رمزگان بارت به‌خوبی می‌تواند بدون نیاز به عوامل پیرامنتی چون ایدئولوژی مؤلف، تأثیرات جامعه و تنها با تکیه بر خود متن، معانی آن را روشن و مشخص گرداند.

عیسی متقی‌زاده و خاطره احمدی (1393ش) در مقاله‌ی «دلالة الالوان في شعر المتنبی» به واکاوی دلالت رنگ‌ها در شعر متنبی پرداخته‌اند. از جمله دستاوردهای مقاله این است که شاعر هم به‌صورت تلویحی و هم تصریحی رنگ‌ها را ذکر نموده است. هم‌چنین بیش‌تر از رنگ‌های اصلی چون سیاه و سفید جهت بیان مقاصدش بهره برده است که فراوانی بالای رنگ سیاه در اشعار این شاعر گویای نگاه تشاؤمی اوست.

روح‌الله صیادی‌نژاد و عبدالحسین ذکایی (1398ش) در مقاله‌ی «شگردهای زبانی (دستوری و آوایی) متنبی در اقناع از منظر پراگماتیسیم» نتایج حاصل از این مقاله را چنین بیان می‌کنند که شاعر در انتقال انگیزه‌ها، عواطف و احساسات به مخاطبین جهت تثبیت و تأکید بیش‌تر معنا از کاربست‌های زبانی اقناع و مهم‌ترین آن‌ها هم‌چون تکرار و روش‌های هارمونی شعری هم‌چون توازن و تصریح بهره جسته است.

ناصر بن راشد بن شیحان (2018م) در مقاله‌ی «سیمياء الجسد في شعر المتنبی»، دلالات «تن» را در شعر متنبی بررسی نموده است. تجلی مصادیق نشانه‌گان تن در جسم زن و جسم مرد از جمله نتایج پژوهش می‌باشد. هم‌چنین به‌کارگیری آشنایی‌زدایی گویا و روش‌های مختلف به کمک اشارت‌های متضاد در آثار شاعر قابل بازشناسی است که بیش‌تر در غزل‌های متنبی نمود دارند.

همان‌گونه که از عناوین کاوش‌های مذکور برمی‌آید هرچندکه تحلیل‌های نشانه‌شناختی در آثار این شاعر صورت گرفته لیکن تاکنون هیچ پژوهنده‌ای به بررسی نشانه‌شناسی نظام رمزگانی این سروده‌ی متنی و بازآفرینی آن پرداخته است.

## 2. ادبیات نظری

در راستای تحلیل اثر ادبی و رسیدن به لایه‌معنای متن، بایسته است ابتدا به تشریح مفاهیم اصلی ساختار نظریه‌ی رمزگان پنج‌گانه بارت پرداخته و آن‌گاه اثر ادبی مورد تحلیل قرار گیرد.

### 2. 1. رمزگان

در سال 1915 سوسور در دوره‌ی زبان‌شناسی، جریان فکری و زبانی‌ای را پیش‌بینی می‌کند که بر آن نام نشانه‌شناسی می‌نهد. «نشانه‌شناسی» دانشی است که به بررسی نقش نشانه‌ها چونان اجزای حیات اجتماعی می‌پردازد (Chandler, 1995: 2). این جریان با مباحثی چون دلالت، دال، مدلول، نظام زبان، هم‌زمان بودن نظام زبانی و ... پایه‌ریزی می‌شود که پردازش زندگی نشانه‌ها را در دل زندگی اجتماعی پیگیری می‌کند. سوسور ذات زبان را متشکل از دال یا تصویر آوایی واژه و مدلول یا تصویر ذهنی و مفهومی آن معرفی می‌کند که رابطه‌ی ساختاری میان این دو را نشانه معرفی می‌کند (Danesi, 2004: 4). مانایی نشانه‌ها به میزان ملازمت با افکار جامعه بستگی دارد و اگر نگاه زایشی به زبان داشته باشیم به زندگی پایان‌ناپذیر نشانه‌شناسی نیز اذعان نموده‌ایم.

بارت با نگاهی ساختارشکنانه و گذر از نشانه‌شناسی سوسوری از چهره‌های سرشناس دیدگاه نشانه‌شناسی محسوب می‌شود. وی در مقاله‌ی معروف «مرگ مؤلف» که از آخرین آثار اوست، پیشنهاد می‌کند که نشانه‌ها، زبان گویای متن هستند و نبود مؤلف را جبران می‌کنند. در پی نگاه نوین بارت ضمن توجه به معنای هر عنصر، ارتباط پیکرواره‌ی آن با عناصر دیگر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و بدون این ارتباط کلی، معنای هر واژه، ثابتی ندارد. بارت در این مقاله معتقد است که «متن به نحوی فروناگسستگی متکثر است. یافته‌ای از صداها یا رمزگان‌هاست که نمی‌توان آن‌را به خاست‌گاه بیانی واحد در مؤلف گره زد» (مکاریک، 1385: 315).

وی با اهمیتی که برای برداشت مخاطب از متن قائل می‌شود نه تنها مخاطب را عنصری غیرفعال و تنها، دریافت‌کننده نمی‌داند بلکه تولید معنای جدید را از خوانش هر خواننده‌ای حائز اهمیت می‌شناسد. استدلال بارت این است که متن، پیکره‌ای آمیخته با کدهای گوناگون است که هر یک چون صدایی از متن برمی‌آید و در برخی متن‌ها یک یا دو صدا غالب است. این رمزگان، مجموعه قواعدی هستند که براساس آن، عناصری انتخاب می‌شوند که با دیگر عناصر ترکیب شده و عناصر جدیدی را می‌سازند (میرعمادی، 1386: 73). بارت، وجود رمزگان که نظامی هدف‌مند از نشانه‌هاست، را در بافت متن به پنج دسته‌ی کلی تقسیم می‌کند که بازشناساندن آن به‌نوعی به بازآفرینی متن می‌انجامد و می‌توان آن‌را حرکت از معنادهی به معناافزایی خواند.

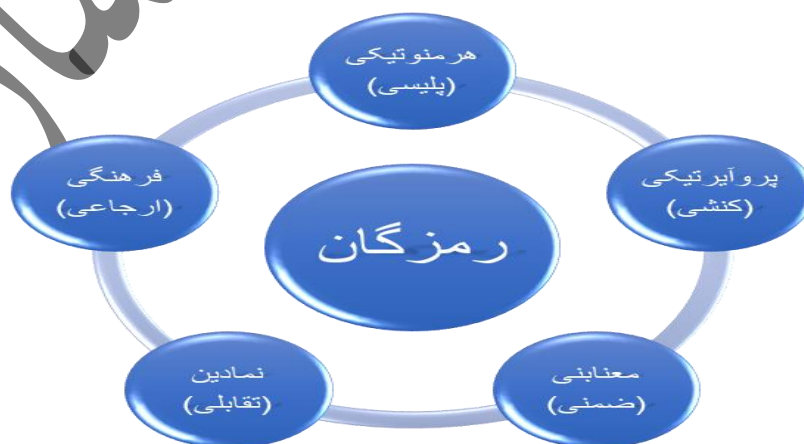
از میان این رمزگان، دو مورد هرمنوتیکی و پروآیرتیکی به شیوه‌هایی مربوط می‌شوند که خود روایت از آن طریق آفریده می‌شود. سه رمزگان دیگر از مجموعه‌ی حوادث و منطق روایی این داستان فراتر می‌روند و به زنجیره‌های معنایی اشاره دارند (آلن، 1392: 137-136). برای رسیدن به رمزگان هرمنوتیکی و پروآیرتیکی باید تمام متن بررسی شود اما سه رمزگان دیگر با گسست از زمان می‌توان آن‌ها را در مقطعی از روایت نیز بررسی نمود و به خوانش متن با کمک آن‌ها دست یافت. نظریه‌ی رمزگان پنج‌گانه‌ی بارت در پی نوعی ساخت‌گشایی است که در بخش بعدی پژوهش تشریح می‌گردد.

## 2. 2. رمزگان پنج‌گانه رولان بارت

بارت، بافتار یک متن را پیکره‌ای واحد با رمزگان متنوع معرفی می‌کند که بازشناسی این کدهای نهفته در متن به نوعی بازتولید متن می‌انجامد که زبان گویای آن محسوب می‌شود و نیاز به حضور مؤلف را از بین می‌برد. کدهای مختلف، راه‌های گوناگونی برای خواندن یک متن هستند. هربار متنی خوانده می‌شود، متفاوت از خواندن قبل است و در بازخوانی آن نیز معنای دیگری به چشم می‌خورد. بارت با گروه‌بندی دال‌های موجود در متن براساس نقشی که ایفا می‌کنند نظامی مشترک در همه‌ی متون را بیان می‌کند که هر یک منظری از آن‌را نمایان می‌سازد.

تحلیل ساختاری بارت در پی آن است تا از نظام‌های زیرینی که عامل معناسازی و معنایابی است، پرده بردارد. آغاز حرکتی که به خلق معنا توسط خواننده منتهی می‌شود و «راه‌های معنا را درنوردیده، روالی را مورد کاوش قرار می‌دهد که معنا از آن طریق درون متن پراکنده می‌شود» (همان: 139). در این بخش رموز پنج‌گانه‌ی رویکرد رولان-بارت (مدل 2. 2. 1) معرفی می‌شوند که در قسمت‌های بعدی پژوهش در بافت متن سروده «لِکَلِّ امْرِئٍ مِنْ دَهْرِهِ مَا تَعَوَّدَا» متنبی بازشناسی می‌شوند.

2. 2. 1. مدل رمزگان پنج‌گانه‌ی بارت



## 2. 2. 1. رمزگان هرمنوتیک

«رمزگان هرمنوتیکی» همان معماهای متن است که با نوعی پنهان‌کاری جزئیات، تأثیر مکاشفه را افزایش می‌دهد. روش غافلگیری از شگرهای همراه ساختن خواننده با متن است که با حضور این کدها تأمین می‌شود. هر عنصری در متن توضیح داده نشده باشد به‌عنوان یک معما برای خواننده وجود دارد که نیاز به توضیح دارد و رمز هرمنوتیک به حساب می‌آید. هر متن می‌تواند یک معمای اصلی و تعدادی معمای فرعی داشته باشد. «پرداختن به سؤال اصلی داستان و حرکت به سمت پاسخ‌دادن به این سؤال در لابه‌لای تعابیر و واژگان و... امری است که در رمزگان هرمنوتیکی بدان پرداخته می‌شود» (Barthes, 1970: 17). هدف این نوع از رمزگان آن است که گویای پاسخی برای چرایی، چگونگی و چه چیزی و... در چیدمان واژگان متن باشد تا با ایجاد فرصت تأمل در ذهن مخاطب و مشارکت وی در تأویل، نوعی خوانش فعال را ایجاد کند. این نوع رمزگان را رمزگان چيستانی نیز می‌خوانند که می‌تواند گویای نام شخص، موقعیت مکانی و یا زمانی باشد.

هاوکس (1997) می‌گوید: رمزگان هرمنوتیکی به همهی واحدهایی گفته می‌شود که نقش‌شان عبارت است از پرسش، پاسخ به آن و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی که ممکن است یا سؤال را صورت‌بندی کنند و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازند یا حتی چيستانی را مطرح کنند و ما را به سوی آن رهنمون سازند... این در واقع همان رمزگان داستان‌گویی است که به‌واسطه‌ی آن در روایت، سؤالاتی به‌پیش افکنده می‌شود و تعلیق به‌وجود می‌آید و سرانجام به آن پاسخ داده می‌شود (سجودی، 1387: 154). هرچه جنبه‌ی پلیسی متنی بالاتر باشد نمود رمزگان هرمنوتیکی آن بیش‌تر است. متن‌های اسرارآمیز سرشار از این رمزهاست.

## 2. 2. 2. رمزگان پروآیرتیک

کنش‌ها و اثرات آن‌ها گویای «رمزگان پروآیرتیک» می‌باشند که به بررسی واحدهای ساختاری متن می‌پردازند و «عامل ایجاد کنش در آن هستند» (همان: 17). این‌گونه رمزگان که به کنش و اثر آن در بافت متنی می‌پردازد رمزگان کنشی نیز خواننده می‌شود که نقش نوعی راوی‌گری را در متن ایفا می‌کند. چینش صحنه‌های روایی این رمزگان در طول ساختار متن به‌مانند یک فیلم با صحنه‌های گوناگون است که مخاطب در ذهن خویش به آن می‌رسد. رمزگان هرمنوتیکی و پروآیرتیکی در خدمت فرم و ساختار کلی متن به‌کار می‌روند و چون با نظم زمانی پیش می‌روند باید خواننده برای تأثیر کامل تا انتهای متن یا روایت پیش رود اما سه‌کد دیگر چون خارج از محدودیت زمانی هستند برای رسیدن به معنا نیازی به ترتیب زمانی ندارند.

## 2. 2. 3. رمزگان معنابنی

«رمزگان معنایی» از روساخت عبور کرده و نظر به ژرف ساخت دارد که دلالت ضمنی نیز خوانده می شود. در این نوع از رمزگان «پیش تر بر دلالت های روانی، احساسی و خصلت نما تاکید می شود» (همان: 18).

دربگیرنده‌ی معنای ضمنی با دلالت های خاص است که گاه از واژگان، تعبیر و جملات برداشت می شود. «هنر و ادبیات به آن دسته از پیامها متعلق هستند که در آنها، نقش مسلط را دلالت های ضمنی ایفا می کنند» (گیرو، ۱۳۸۰: ۴۷). این دالها که در راستای عمق بخشی به بافت در خدمت متن هستند به صورت ضمنی و نه صریح بر مقصود نویسنده دلالت دارند. این رمزگان، بیان گر خصوصیات کنش ها یا رمزگان است که با آن اشاره می گردد و گاه گویای نوعی بینامتنیت است و با ایجاد شبکه‌ی متنی به غنی سازی نظام معنایی منجر می شود.

#### 2. 2. 4. رمزگان نمادین

تقابل و تضاد در همه‌ی عرصه‌ها به نوعی تبیین می انجامد که درک صحیح فضای ذهنی آفریننده‌ی آنرا برای مخاطبین آسان می کند. این تقابل و تضادها در متن همان «رمزگان نمادین» هستند. کاربست شب و روز یا شجاعت و ترس در متن توسط ادیب، کاربست رمزگان نمادین است که با ایجاد نوعی بزرگ نمایی گویای زوایایی از ذهن اوست که به تقابل معنایی کوچک در برابر بزرگ، سفید در برابر سیاه، مفرد در برابر جمع و... می پردازد. در این نوع رمزگان «ما به دنبال نمادهایی هستیم که نویسنده به کار برده است» (Barthes, 1970: 17). رمزگان نمادین الگوهای برجسته سازی در متون به شمار می روند.

#### 2. 2. 5. رمزگان فرهنگی

هر عنصری که به علم یا مجموعه‌ای از دانش برگردد رمزگان فرهنگی است. رمزگان فرهنگی «به بازگشایی دلالت های فرهنگی می پردازد که بیان گر نوعی شناخت کلی از فضای فرهنگی و ایدئولوژیکی داستان (متن) است» (همان: 18). رمزگان فرهنگی را «رمزگان ارجاعی» نیز می شناسند؛ چون نشانه‌های متنی را به فضای بیرونی ارجاع می دهند. نمادهای دینی و ضرب المثلها از واضح ترین نمادهای فرهنگی به شمار می روند. این نوع رمزگان کلیت اثر را دربر می گیرند لذا چهار رمزگان قبلی که عنوان گردید به نوعی از رمزگان فرهنگی متأثر می شوند. رمزگان فرهنگی را در بافت فرهنگی اجتماعی می توان یافت.

### 3. پردازش تحلیلی موضوع

از پربارترین سال های زندگی متنبی - «ابوالطیب احمد بن الحسین» معروف به «متنبی» (الفخوری، 1392: 597) - سال هایی است که در دربار سیف الدوله سپری می کند و بهترین مدح هایش را در وصف وی می سراید. بهانه‌ی سرایش سروده‌ی



مورد پژوهش، نبرد بزرگی بود که با لشکریان رومی به سرکردگی «دموستیکوس» و در روز عید قربان صورت گرفت. این نبرد با اقتدار سیف‌الدوله و شکست لشکریان رومی به پایان رسید. «دموستیکوس» فرار کرد و فرزند و لشکریان‌اش به اسارت سیف‌الدوله درآمد (بینز، 1950: 182-167). نگارندگان در این جستار با کاربست نظریه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت به واکاوی و بازتولید معانی و تفسیر متن سروده‌ی (لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْ دَهْرِهِ مَا تَعَوَّدَا) اثر متنبی می‌پردازند.

### 3. 1. رمزگان هرمنوتیکی

همان‌طور که گفته شد، رمزگان هرمنوتیکی یا معمایی به دنبال پاسخ چرایی است که در ورای واژگان متن نهفته است و در بافت کلام، رسیدن به پاسخ و رمزگشایی از این کدها لذت خواننده را در فهم و درک عمیق‌تر فضای حاکم بر متن دوچندان می‌کند. یک شخصیت، یک موقعیت و یا یک عمل می‌تواند در سطح متن مشاهده شود و نشانه‌ای در پاسخ به پرسشی باشد که ادیب از پیش برای مخاطب طراحی کرده است. طرح اصلی متن توسط مؤلف به کمک این رمزگان نسیم می‌شود. بازگشایی معما و رسیدن به پاسخ آن نوعی بازپردازی است که بارت در قالب رمزگان هرمنوتیکی آن‌را معرفی می‌کند و در نبود مؤلف، فضای معمایی و کاوش‌گری را به مخاطب القاء می‌کند.

در آغاز سروده برای این‌که شخصیت اصلی متن به کمک رمزگان هرمنوتیکی معرفی شود، موضوع «عادت» مطرح می‌شود. ابتدا، داشتن عادت بر همه‌ی انسان‌ها تعمیم آن‌گاه با جلب تفکر مخاطب و مقدمه‌چینی، دست به نوعی تجرید زده می‌شود و ممدوح از آن دو داشتن عادت‌ی شگفت‌آور و بدیع جدا می‌شود. در نگاه بارت این آغاز، پاسخ به یک پرسش اصلی است. هسته‌ی اولیه‌ی واژگانی متن در پاسخ به سؤالاتی چون: متن از عادت چه کسی می‌خواهد سخن بگوید؟ این عادت چه ویژگی دارد که مورد توجه قرار گرفته است؟ آورده شده است.

«وَعَادَتْ سَيْفِ الدَّوْلَةِ الطَّعْنُ فِي الْعِدَا». (ترجمه): «و عادت سیف‌الدوله نیزه‌زدن در سینه‌ی دشمن است.»

عادت‌ها از روزمره‌گی‌های هر شخصی محسوب می‌شوند که برحسب ویژگی‌های فردی و شخصیتی از فردی به فرد دیگر متغیر هستند. قدرت و شجاعت ممدوح مورد وصف، تنها در بیان نوع عادت او نیست. در این متن میان اسم نقش اول سروده که برگرفته از یک سلاح سرد «سیف: شمشیر» (المتنبی، 1046: 370) است. به کارگیری آن در رزم تن‌به‌تن پلی ایجاد کرده است که می‌تواند گویای نوعی شجاعت ویژه در رویارویی با دشمن باشد. پس از تثبیت منزلت وی در ذهن مخاطب با بیان این عادت که همیشه نیزه‌ی «الطعن» خود را در سینه‌ی دشمن فرو می‌برد بر آن تأکید می‌شود. صحنه‌ی فرورودن نیزه در قلب دشمن زمانی محقق می‌شود که دشمن کاملاً مقهور شخص شده باشد. اصلی‌ترین معمای اثر درباره شخصیت اصلی و ویژگی‌های او است که به‌وضوح نه تنها در بیت اول سروده بلکه در ابیات بعد نیز به آن پرداخته شده است.

نمود یکی دیگر از رمزگان معمایی بارت در بیت دوم این سروده به کارگیری واژه‌ی (أَسْعَدًا: خوشبخت‌ترین) است. خوشبخت بودن که در این متن از ویژگی‌های ممدوح شمرده می‌شود بیان‌گر نوعی نگاه تفانلی است. انسان‌ها همواره برای رسیدن به خوشبختی کوشیده‌اند. واژه‌ی (أَسْعَدًا) همان رمزی است که مخاطب با دیدن آن به دنبال دلایل خوشبختی ممدوح می‌گردد و متن به این معمای ذهنی چنین پاسخ می‌دهد که یکی دیگر از عادت‌های او، ناکام گذاشتن نقشه‌های شوم دشمنان و ناامید ساختن آن‌ها در اثر کردن افتراهایشان است.

«وَمُؤَسِي بِمَا تَوَيَّ أَعَادِيهِ أَسْعَدًا». (ترجمه): «و برخلاف آنچه دشمنان‌اش نیت می‌کند، خوشبخت می‌شود.»

ممدوح آن قدر خوب است که هیچ بدی در او راه ندارد لذا هرگونه بدگویی و بدخواهی‌ای از سوی دشمنان او ناکام می‌ماند. هر کس بخواهد به ممدوح ضرری برساند به خودش ضرر رسانده است. دلیل بر این مدعا سپاهی است که هر کسی بخواهد علیه او به راه اندازد در واقع سپاه‌اش را به او تقدیم کرده و دست خالی برمی‌گردد.

«وَوَزَبْتُ مُرِيدَ ضَرَّةٍ ضَرَّ نَفْسَهُ / وَهَادِي إِلَيْهِ الْجَيْشَ أَهْدَى وَمَا هَدَى». (ترجمه): «چه بسا اراده‌کننده‌ای که می‌خواهد به او ضرر رساند اما به خود ضرر می‌رساند / و چه بسا هدایت‌کننده‌ی لشکر به سوی او که (لشکرش را به او) می‌بخشد.»

شاعر سؤالی مبنی بر علت خوشبخت شمردن ممدوح در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که با اندکی تأخیر به آن جواب می‌دهد. پاسخ به سؤالات ذهن مخاطب اما با تأخیر، همواره از شگردهای نویسندگی در تنوع بخشی به متن است و بارت آن را لذت متن نام می‌نهد.

در بیت چهارم، صحنه‌ای پیش روی مخاطب طراحی می‌شود و در آن از دشمن مستکبری که با دیدن شمشیر شهادتین بر زبان جاری می‌کند، سخن به میان می‌آید.

«رَأَى سَيْفَهُ فِي كَفِّهِ فَتَشَهَّدًا». (ترجمه): «در یک لحظه با دیدن قدرت شمشیر در دهان او ناگهان شهادتین بر زبان جاری می‌کند.»

از آمدن حرف «فاء» بر سر واژه «فتشهدا» معنای ناگهانی و بلافاصله استنباط می‌شود (اصفهان، 1386: 556). دلیل مسلمان شدن دشمن کافر چیست؟! پاسخ این معما نیز به نفع ممدوح تمام می‌شود و قدرت و برق شمشیری که در دهان اوست عامل وحشت و ایمان آوردن دشمن کافر به مخاطب معرفی می‌گردد.

از شگردهای رمزگان هرمنوتیکی که در این مدح به کار گرفته شده است ایجاد سوال برای مخاطب درباره‌ی صفات و خصیصه‌های ممدوح است. رمز (ذکئ: باهوش) نشانه‌ی دیگری است که در متن برای معرفی سیف‌الدوله به کار گرفته شده است.

«ذِكْرِي تَطْنِيهِ طَلِيعَةُ غَيْبِهِ / بَرِي قَلْبُهُ فِي يَوْمِهِ مَا تَرَى غَدًا». (ترجمه): «او هوشیاری است که چشم‌اش جلوتر از فردا اتفاقات‌اش را می‌بیند. / (به‌گونه‌ای که) امروز قلب‌اش آن‌چه که فردا خواهد دید (اتفاق خواهد افتاد) را می‌بیند.»

پیش‌بینی‌ها و دوراندیشی‌های سیف‌الدوله از عوامل موفقیت اوست که این ویژگی در متن به‌عنوان دلیل هوش و ذکاوت وی ذکر شده‌است.

در ده بیت آغازین با کمک کارکرد رمزگان معمایی، ویژگی‌های فردی سیف‌الدوله معرفی می‌شود و از بیت یازدهم با ورود به میدان رزم و بازگویی صحنه‌های درگیری جنگ مسلمانان و رومیان و اتفاقات وابسته به آن باز هم شاهد حضور رمزگان هرمنوتیکی در متن جهت بیان برخی خصوصیات اجتماعی کنش‌گر اصلی سروده هستیم. ذهن خلاق ادیب معماهای پی‌درپی را طراحی می‌کند تا ذهن خواننده را مشتاقانه و کاوش‌گرانه با خود همراه سازد. در این سند تاریخی پیوسته از رمزگان هرمنوتیکی استفاده شده‌است تا آن‌جا که ذهن آدمی پس از یافتن پاسخ هر معما به وادی معمای بعدی ورود می‌کند به‌گونه‌ای که از انفعال خارج می‌شود. پردازش دیگری که شاهد آن هستیم روز عید قربان است که در آن ممدوح، خود عید خوانده می‌شود.

«هَنِيئًا لَكَ الْعِيدُ الَّذِي أَنْتَ عِيدُهُ». (ترجمه): «بر تو باد عیدی که عامل شادی آن خودت هستی.»

حاکم چگونه می‌تواند عید باشد؟! تأخیر در پاسخ به این ابهام، کشش خواننده را در پی دارد. طبق متن، حاکم، عید و روز شکست دشمن و کشته‌های آن‌روز در تقابل با عادات روز عید ذکر می‌شود تا هم بر شوکت حاکم مورد وصف افزوده شود و هم به معمای ذهن مخاطب پاسخ داده‌شود. پس از آن حاکم در عرصه‌ای وسیع‌تر به‌عنوان دولت به مخاطب معرفی می‌شود. ابتدا نوعی شگفتی بیان می‌گردد آن‌گاه با طرح پرسش از خواننده خواسته می‌شود تا جوابی برای آن‌ها بیابد.

«فَيَا عَجَبًا مِنْ دَائِلِ أَنْتَ سَيْفُهُ / أَمَا يَتَوَقَّى شَفَرَتِي مَا تَقْلُدُ». (ترجمه): «شگفتا از صاحب‌دولتی که سیف‌الدوله را مأمور خود قراردادده‌است! تو شمشیر او هستی / آیا خلیفه خود را از این دولبه‌ی شمشیرش زمانی که آن‌را برگردن می‌اندازد، محافظت نمی‌کند؟!»

«وَمَنْ يَجْعَلِ الضَّرْغَامَ بَازًا لِصَيْدِهِ / تَصَيَّدَهُ الضَّرْغَامُ فِيمَا تَصَيَّدُ». (ترجمه): «هرکس شیر را برای شکار مانند باز (شکاری) قرار دهد / (باید بداند که) شیر به‌جای شکار، شکارچی را صید می‌کند.»

در دوبیت بالا، ابتدا از غلفت دولت عباسی نسبت به سیف‌الدوله اظهار تعجب می‌شود و آن‌گاه پاسخ داده‌می‌شود که سیف‌الدوله چون شمشیر دو دمی است که نباید از او غافل شد که اگر چنین شود مانند شیری است که به شکارچی‌اش هم رحم نخواهد کرد و روزی برای دولت خطرآفرین خواهد بود.

در بیت سی و هشتم چنین سوالی در ذهن خواننده ایجاد می‌شود که چرا باید طبق ادعای شاعر، حاکم به کسی جز وی پاداشی ندهد؟! از جمله دلایل آن قدرت شاعری او ذکر می‌شود و این که بقیه‌ی شاعران شعرهای او را تکرار می‌کنند و به نام خودشان تحویل حاکم می‌دهند و چنین ادعا می‌شود که شاعر چون صدا و دیگران چون بازتاب صدای او هستند:

«وَدَعَ كُلُّ صَوْتٍ غَيْرَ صَوْتِي فَإِنِّي / أَنَا الصَّائِحُ الْمَحْكِيُّ وَالْآخِرُ الصَّدِيُّ». (ترجمه): «هرگاه شاعری در مدح تو شعری سرود، تو پاداش آنرا به من عطا کن / چراکه آن‌ها اشعار من است که شاعران دیگر تکرار می‌کنند».

وجود معماهای بسیار و پاسخ به آن‌ها نوعی تنوع در متن ایجاد کرده است که موجب لذتی مضاعف و دوچندان به مخاطب می‌شود.

### 3. 2. رمزگان پروآیرتیک (کنشی)

در طول یک رویداد، مجموعه‌ای از کنش‌ها، اثرات کنش‌ها و رفتارهای ویژه و مدون و توالی‌ها صورت می‌پذیرد که به ساختار کلی آن رویداد می‌انجامد. سروده‌ی مورد بحث دارای شش توالی اصلی است. سیر روایی اثر را در این توالی‌ها می‌توان مشاهده نمود. ریزتوالی‌های بسیاری در طول این توالی‌ها موجود است که مجال پرداختن به آن‌ها نمی‌باشد. رخدادهای اصلی این سروده عبارتند از:

1. وصف سیف‌الدوله از بیت اول تا بیستم. 2. تهنیت عبدالأضحی به ممدوح از بیت بیست و یکم تا بیست و چهارم.
3. نکوهش خلیفه عباسی در غفلت از قدرت سیف‌الدوله که در ضمن آن به مدحش پرداخته است از بیت بیست و پنجم تا بیست و هفتم.
4. مدح سیف‌الدوله به کمک حکمت‌هایی که ویژه‌ی متن‌بی است از بیت بیست و هفتم تا بیت سی و دوم.
5. مدح خود شاعر از بیت سی و سوم تا چهل و یکم. 6. مدح سیف‌الدوله بیت چهل و دوم.

رمزگان پروآیرتیکی شعر متن‌بی که به بهانه‌ی عبدالأضحی سروده شده است به صورت کنش‌های شش‌گانه‌ی اصلی در طول قصیده چهل و دو بیتی دیده می‌شود. از رویکرهای کنش‌های اصلی در متن، مدح و ذم جهت تهنیت و خودستایی - نوعی مدح خویشتن - است. ساختار کلی قصیده طبق شش روایت اصلی ترسیم شده است. این کنش‌های اصلی شامل کنش‌های فرعی بسیاری است که طی آن‌ها اغراق فراوانی در مدح شاعر و یا مدح ممدوح‌اش جهت ربایش قلوب دیده می‌شود. رمزگان کنشی، نقش موفقی در این زمینه ایفا نموده‌اند. از جمله عادات خوب کنش‌گر اصلی، ناکام گذاشتن نقشه‌های دشمنان با کمک نقشه‌ی آن‌ها علیه خودشان است (بیت اول).

پاره‌روایت دیگر متن از لشکریانی تشکیل شده است که فرماندهان آن‌ها را علیه وی هدایت کرده ولی دست خالی برگشته‌اند و همه‌ی آن‌ها به اسارت ممدوح درآمده‌اند (بیت سوم). در صحنه‌ی دیگر، انسان‌های کافر و خودخواه

رومی دیده می‌شوند که دین اسلام را قبول ندارند ولی با دیدن برق شمشیر سیف‌الدوله، شهادتین را بر زبان جاری می‌سازند (فتشهدا) و مسلمان می‌شوند (بیت چهارم).

صحنه‌ی آرامش و خشم ممدوح به آرامش و سکون دریا و طوفانی شدنش تشبیه شده‌است. شاعر توصیه می‌نماید برای استفاده‌ی بهینه از سخاوت و بخشش سیف‌الدوله در زمان آرامش به او نزدیک‌شده و درخواست خود را از او بیان کنند و از لحظات خشم او برحذر باشند که هلاکت را در پی خواهد داشت. این ریزکنش نیز از تمهیدات سراینده است که جهت بالابردن منزلت سیف‌الدوله طراحی شده‌است و نگاه مخاطب را به بازیگر اصلی صحنه‌ی متن تقویت می‌کند (بیت پنجم).

فضای دیگری از متن به عمل پادشاهانی (الملوک) می‌پردازد که خود روزی، سروران روی زمین بوده‌اند و مردم آن‌ها را تعظیم و کرنش می‌کردند و حال به علت دشمنی و جنگ با سیف‌الدوله‌ی حمدانی سر بر دار شده و در مقابل او به سجده افتاده‌اند (بیت هفتم). وصف اسبان سیف‌الدوله ترسیم ریزروایت دیگری است که از قدرت پیمایشی آن‌ها و خستگی‌ناپذیر بودن‌شان در رسیدن به آبشخورهایی در دوردست‌ها و دست‌نیافتنی سخن رانده است. وصف این صحنه‌ی دیداری و حرکتی تنوع خاصی به متن داده است (بیت دهم).

«دمستق» از جمله فرماندهانی است که به همراه پسر و لشکریانش مغلوب سیف‌الدوله می‌شود که در این میان پسرش به اسارت سیف‌الدوله درمی‌آید و خودش فرار می‌کند. آن‌گاه این صحنه‌های شکست و ذلت در مخفی شدن دمستق در معبد از ترس (مخافه) و ندامت (تائباً) ذکر می‌شود تا شاهدی زنده بر قدرت و شوکت ممدوح باشد (بیت یازدهم تا بیت هجدهم). این صحنه روایت‌گر یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی است که در وصف قدرت ممدوح و تکمیل اولین روایت متن نمود پیدا کرده‌است. ریزکنش‌ها یا رموزگان پروآیرتیکی که طبق نظریه بارت شناسایی شده‌اند و مربوط به این روایت می‌باشند به صورت کلی در ذیل آورده شده‌است (جدول 1-2-3).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
1	وَعَادَتْ سَيْفِ الدَّوْلَةِ - الطَّعْنُ فِي الْعِدَا	«و عادت سیف‌الدوله - نیزه‌زدن در سینه دشمن»
5	غُصَّ فِيهِ - سَاكِنًا	«نزدیک شد به او - آرام»
7	تَطَلُّ مُلُوكُ الْأَرْضِ - خَاشِعَةً	«پادشاهان روی زمین - تسلیم»
10	وَصُولٌ إِلَى - الْمُسْتَصْعَبَاتِ	«رسیدن به - جاهای سخت»
11-18	أَعْطَاكَ - ابْنَهُ وَجُيُوشَهُ/ يَجْتَابُ الْمُسُوحَ - مَخَافَةً ، تَائِبًا/ تَرَهَّبَتْ - الْأَمْلَاكُ	«به تو بخشید - پسرش و لشکریانش / لباس صوفیانه دوخت - از ترس، توبه‌کننده/ ترسیدند - پادشاهان»

1-2-3

پس از روایت صحنه‌های قدرت‌نمایی ممدوح، افکار مخاطب به صحنه‌ی شادی و موقعیت زمانی وارد می‌شود که بعضی از رفتارهای این صحنه‌ی شاد در سروده ذکر می‌شوند. عید قربان (العید) یکی از روزهای یگانه سال نزد مسلمانان می‌باشد. سیف‌الدوله چون روز بزرگ عید قربان در میان مردمان، یگانه (اوحدا) خوانده شده و به گونه‌ای استعاری لفظ عید قربان از وی عنوان شده است (بیت بیست و یکم تا بیست و چهارم) (جدول 2-2-3).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
21	العید - سَمِي - ضَحِي - عَيْدا	«عید - بسم الله گفت - قربانی کرد - جشن گرفت»
23	اوحدا - كان اوحدا	«یگانه - یگانه بود»
24	اليوم - لليوم سيدا	«امروز - برای برترین روز»

#### 2-2-3

صحنه‌ی حماقت دولت عباسی (دائِل) در مقابل زیرکی و قدرت ممدوح سیف‌الدوله از جمله ریزکنش‌های دیگری است که ممکن است قدرت او صاحب‌اش را نیز از پای درآورد و خود، زمام امور به دست گیرد (بیت بیست و پنجم تا بیست و هشتم) (جدول 3-2-3).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
25	دائِل - اَنْتَ سَيْفُهُ	«دولت - تو شمشیر (کارگزار) آن هستی.»

#### 3-2-3

صحنه‌هایی چون زجر دشمنان قدرت‌مند و آزاد که به اسارت سیف‌الدوله درآمده‌اند، تکریم انسان بزرگوار و نیز تکریم انسان لئیم ریزکنش‌های روایت نهفته در متن است (بیت بیست و هشتم و بیست و نهم) (جدول 4-2-3).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
29	أَكْرَمَتَ الْكَرِيمِ - مَلِكْتُهُ / أَكْرَمَتَ اللَّئِيمِ - مَمْرُدا	«بزرگواری را تکریم کنی - صاحبش می‌شوی / انسان پستی را تکریم کنی - از تو نافرمانی می‌کند»

#### 4-2-3

پادشاه از طریق مدح، سرشار از سرور می‌شود و به عنوان نقش اول روایت مورد تمجید قرار می‌گیرد. آن‌گاه سراینده است که مورد ستایش واقع می‌شود و صحنه‌هایی از شرایط اجتماعی و روحی و شخصیتی وی بیان می‌گردد تا بدین وسیله ضمن اقناع حس خودپرستی، شرایط اجتماعی بالاتری برای او به دست آید و جای کنش‌گر اصلی تعویض می‌گردد. ریزکنش‌های روایی این صحنه شامل حقد حسودان، قدرت شاعری (قُلْتُ شِعْرًا) و سخنوری‌اش و ارادت به آستان ممدوح می‌باشد که رمزگان مربوط در پی آمده است (بیت سی و سوم تا بیت چهل و یکم) (جدول 5-2-3).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
-----------	--------	-------

36	الدَّهْرُ - رُوَاةٌ فَلَا تَدِي / قُلْتُ شِعْرًا - الدَّهْرُ مُنْشِدًا	«روزگار - راویان قصاندم / شعری گفتم - روزگار شعری سرود»
----	--	---

### 5-2-3

در آخرین صحنه و روایت ششم، صحبت از غنای ممدوح (الغنی) به پیش کشیده می‌شود تا بدین وسیله تلافی بیش‌تری از او جلب سراینده گردد (بیت آخر) (جدول 3-2-6).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
42	الغنی - كُنْتُ عَلَى بُعْدٍ	«بی‌نیازی - تو بر دورترین (بلندترین) بودی»

### 6-2-3

در این سروده طبق رفتارهای دو شخصیت و کنش‌گر اصلی پادشاه (سیف‌الدوله) و شاعر (متنبی) طراحی اصلی روایت صورت گرفته است. دو رمزگان هرمنوتیکی و پروآیرتیکی در خدمت فرم روایی متن هستند که ذهن را از نقطه‌ی آغاز به نقطه‌ی پایان راهنمایی می‌کنند و خواننده باید تمام روایت را تا انتها بخواند تا به آن‌ها دست یابد. بازسازی صحنه‌ها نقش مهمی است که رمزگان پروآیرتیکی در متون ایفا می‌کنند.

### 3.3. رمزگان معنایی

رمزگان معنایی که بارت مطرح می‌کند همان واحدهای کوچک معنایی هستند که بر چیز، شخص، و مکان و... دلالت دارند و پیام خاصی را تلویحاً به مخاطب منتقل می‌سازند. سوژه به کمک آن‌ها نظامی از نمادها و نشانه‌ها را دریافت می‌کند و نقش مهمی در رساندن پیام به مخاطب دارد. شیوه‌ای است که مخاطبان، معناها را براساس نظامی از نمادها و نشانه‌ها استنتاج می‌کنند (سجودی، 1385: 155). از کمینه معنای این سروده نام شخصیت اصلی متن (سیف‌الدوله) است که در اولین نگاه و در اولین بیت آمده است.

«سیف» یا شمشیر نماد جنگ و قدرت است. به کارگیری این دال کلیدی به همراه دال‌های دیگری چون «الطعن» یا نیزه و «العدا» یا دشمن در کنار هم به خواننده موقعیت جنگی را القا می‌کند. حضور این دال در متن از بافت موقعیتی گوینده خبر می‌دهد که کشتار و جنگاوری از اصول مهم زندگی بوده است. لذا اسم یک شخص به نام «سیف‌الدوله» با نام سلاح جنگی پیوند خورده است و مورد مدح واقع شده است.

«البحر: دریا» در «بیت پنجم» دال دیگری است که برای بیان سخاوت ممدوح به کار گرفته شده است. در بیت بیستم «يُعِدُّ لَهُ ثَوْبًا مِّنَ الشَّعْرِ أَسْوَدٍ: لباسی از موی سیاه آماده کرده است» رمز پوشیدن لباس سیاه پس از شکست، دیده می‌شود.

از این دال می‌توان به رسوم اجتماعی عصر نویسنده در بیان اندوه و عزاداری رسید. «ضحی: قربانی» در «بیت بیست و یکم» دال دیگری است که از آن به نوعی آداب اجتماعی و مذهبی می‌توان رسید که هم مقبول نویسنده و هم

ممدوح اوست. «یوم الاضحی: روز قربانی دادن» این توصیف نیز دلالت ضمنی بر تعداد زیاد کشته‌های به‌جامانده از جنگ دارد و از قربانی روز عید قربان به قربانیان جنگ پادشاه با لشکر دشمن می‌توان رسید.

«تُسَلِّمُ مَخْرُوفاً وَتُعْطِي مُجَدِّداً: کهنه را تسلیم می‌کنی و جدیدش را می‌گیری» دال دیگر متن در «بیت بیست و دوم» است که لباس کهنه را سال گذشته و لباس نو را سال جدید از آن اراده کرده‌است. «العين» در «بیت بیست و چهارم»: «هُوَ الْجَدُّ حَتَّى تَفْضُلَ الْعَيْنُ أَخْتَهَا: این بخت و اقبال است تا جایی که چشمی را بر چشم دیگری برتری می‌بخشد». وجود این نشانه، گواهی بر سیستم حکومتی عصر شاعر است که در آن دوره بر سران و ارکان حکومتی اطلاق شده‌است. «العين» در معنای مجازی آن یعنی ارکان حکومتی به‌کار گرفته شده‌است. «الضرغام: شیر» در «بیت بیست و ششم» رمزگان دیگری است که متن به‌کمک آن معنای ضمنی از قدرت و شجاعت را به مخاطب تلقین کرده‌است.

رمزگان معنابنی یا ضمنی به‌کار گرفته در متن سروده از فراوانی بالایی برخوردار است که به برخی از آن‌ها اشاره شد. رمزگان معنابنی نیز حاوی معنای کلی از متن هستند و از آن‌ها می‌توان به برخی از موقعیت‌ها و امور متداول عصر نویسنده رسید.

### 3. 4. رمزگان نمادین

از جمله فنون ادبی که غالباً در برجسته‌سازی بافت متن کاربرد دارد، تضاد یا تقابل می‌باشد. استفاده از اصل ساختاری عمیق‌تر با سازمان‌دهی اصل تضاد به‌کمک رمزگان نمادین صورت می‌پذیرد. این فرآیند با خلق تفکر قیاس‌مند، مخاطب را به دیدن مناظر متضاد و تفکر و همراهی عمیق‌تر فرامی‌خواند. رمزگان نمادین که رولان بارت مطرح می‌کند همان تقابل‌ها و تضادهاست که در متن دیده می‌شوند. سروده‌ی مورد بررسی حاوی رمزگان نمادین بسیاری است که طی جدول زیر (3-4-1) به آن‌ها پرداخته شده‌است.

واژه	تقابل واژه	واژه	تقابل واژه	واژه	تقابل واژه	واژه	تقابل واژه
مُسْتَكْبِرٌ	فَتَشْهَدَا	أَلشَّرِقُ	أَلْغَرْبُ	أَلْكَرِيمُ	أَللَّئِيمُ	شِعْرًا	مُنشِدًا
سَاكِنًا	مُزِيدًا	تُسَلِّمُ	تُعْطِي	مَلَكَنُهُ	تَمَرَّدَا	سَازَ	لَايَسِيرُ
يَقْتُلُ	يُحْيِي	مَخْرُوفًا	مُجَدِّدًا	أَلنَّدَى	أَلسَّيْفُ	غَنَى	لَايَغْنَى
يَوْمٌ	غَدًا	يَوْمٌ	أَلْأَيَّامُ	رَأْيًا وَحَكْمَةً	نَفْسًا وَمُحْتَدًا	كُلٌّ	غَيْرٌ
مَمَاتًا	مَوْلِدًا	أَلضَّرْغَامُ	بَازًا	يَدَقُّ	يُتْرَكُ	الصَّانِحُ	أَلصَّدَى
أَعْطَى	لَمْ يُعْطِ	أَلْحَلِيمُ	أَلْمُهَنْدَا	أَلْأَفْكَارُ	فَاعِلٌ	أَهْدَى	مَا هَدَى
أَلْعُكَّازُ	أَشَقَّرَ أَجْرَدَا	فَقَتَلَ	أَلْعَفْوُ	يُخْفَى	بَدَا		



رمزگان نمادین به الگوهای تضاد و تقابلی اشاره می‌کند که در یک متن قابل مشاهده است (آلن، 1385: 137). با واکاوی سروده به این دریافت می‌رسیم که بیست‌وهفت مورد رمزگان نمادین در سروده یافت می‌شود. در میان آن‌ها گاه یک واژه در وضعیت اسمی و تقابل با اسم دیگر مانند بیت پنجم (ساکناً، زیداً) گاه در جایگاه یک فعل و تقابل با فعل دیگر مانند (أعطی، لم یعط) و یا در مقابل یک اسم مثلاً (قتل، ألعفو) مشاهده می‌شود. اغلب رمزگان نمادین سعی در بزرگ جلوه‌دادن نیکی‌های ممدوح در برابر بدی‌های دشمنان او دارد و با این تنوع در انتخاب نوع نمادها است که مخاطب مجذوب متن و همراه آن می‌شود.

### 3. 5. رمزگان فرهنگی

خصوصیات فرهنگی و اجتماعی جوامع اثرات مستقیمی بر سیاق متون دارند. این رمزگان دربرگیرنده‌ی نظام‌های دانش مختلفی است که متن به آن‌ها ارجاع داده می‌شود. ویژگی‌های فیزیکی، ادبی و تاریخی می‌تواند نمونه‌هایی از نظام‌های مشترک دانش جهانی باشد. رمزگان فرهنگی جلوه‌ی بارز خود را در یک آوای جمعی و بی‌نام که در تجربه‌ی سنتی آدمی ریشه دارد، می‌یابد (پین، 1392: 120). در نقطه‌ی نظر بارت همه‌ی رمزگان‌ها از یک نظر فرهنگی به‌شمار می‌روند؛ اما بارت رمزهایی که در قالب مرجعیت علمی یا اخلاقی قرار می‌گیرند را فرهنگی برمی‌شمارد؛ به‌همین علت بر آن‌ها رمزگان «مرجع» نام نهاده‌اند (آلن، 1392: 138). در این سروده به جنگ میان مسلمانان و اعراب در عصر ظهور اثر اشاره شده است که این عنصر تاریخی و حوادث مربوط به آن از جمله رمزگان فرهنگی سروده محسوب می‌شوند.

در قصیده‌ی مورد کاوش، تقابل دو گروه مسلمان و غیرمسلمان از اعراب و رومیان در ابیات زیر به تصویر واژگان درآمده است: (وَمُسْتَكْبِرٍ لَمْ يَعْرِفِ اللّٰهَ سَاعَةً \* رَأَى سَيْفَهُ فِي كَفِّهِ فَتَشَهَّدَا / ... لِذٰلِكَ سَمَّيْ «ابن الدُّمُسْتَقِ» يَوْمَهُ \* مَمَاتًا وَسَمَاءَهُ «الدُّمُسْتَقِ» مَوْلِدًا / سَرَيْتَ اِلَى جِيحَانٍ مِنْ اَرْضِ اَمَدٍ \* ثَلَاثًا لَقَدْ اَدْنَاكَ رَكْضًا وَاَبْعَدًا / فَوَلَّى وَاَعْطَاكَ ابْنَهُ وَجُبُوشَهُ \* جَمِيعًا وَلَمْ يُعْطِ الْجَمِيعَ لِجَحْمَدًا / ... وَمَا طَلَبْتَ زُرْقَ الْاَسِنَّةِ غَيْرَهُ \* وَلَكِنَّ «فُسْطَنْطِينَ» كَانَ لَهُ الْفِدَا / ... هَنِيبًا لَكَ الْعَيْدُ الَّذِي اَنْتَ عَيْدُهُ \* وَعَيْدٌ لِمَنْ سَمَّيْ وَضَحَّى وَعَيْدًا). با توجه به این‌که درگیری در روز عید قربان صورت گرفته به‌همین دلیل پیروزی و قدرت‌نمایی عرب‌های مسلمان به سرکردگی سیف‌الدوله از زوایای مختلف در متن مشاهده می‌شود. عرب‌ها با آمادگی بالا و فرماندهی شکوه‌مند سیف‌الدوله به میدان نبرد با لشکر رومیان - متشکل از روس‌ها، رومی‌ها، ارمنی‌ها، بلغاری‌ها، سقلابی‌ها و ... به سرکردگی دمستگ برداس - رفته و مسلمانان با اقتدار کامل پیروز و لشکریان دمستق اسیر می‌شوند و دمستق پا به فرار می‌گذارد. صحنه‌هایی از رزم‌آوری سیف‌الدوله، مسلمان‌شدن و گفتن شهادتین توسط رومیان، فرار دمستق و اسارت پسرش هم‌چنین درآمدزایی و تکسب شاعران متملق در این قصیده واحدهای فرهنگی

و اخلاقی دیگری هستند که متن در صدد بازگو نمودن آن‌ها برآمده است. وجوه مختلف ستایش‌گری در عصر سرایش متن، عنصر غالبی است که به رویکردهای اخلاقی و اجتماعی جامعه ارجاع می‌دهد.

#### 4. دستاورد تحقیق

مهمترین دستاوردهایی که نویسندگان در این جستار به آن دست یافتند این است که:

بررسی‌های صورت گرفته در واژگان سروده‌ی مورد پژوهش، گویای این مسأله است که: سروده، ظرفیت رمزگان پنج‌گانه‌ی نظریه‌ی بارت را در راستای معنارسازی و اثربخشی داراست. این رمزگان وجوه چندظرفیتی متن را در راستای مجموعه‌ای از معناها بیان نمودند. رمزگان معنایی سروده با معنای اصلی عادت‌های همیشگی ممدوح آغاز شده و متن به دنبال پاسخ‌گویی به انواع این عادت‌هاست که در هم‌نشینی با بقیه‌ی ابیات به آن پرداخته می‌شود. حاصل بررسی رمزگان پروآیرتیکی متن، نشان از تحرک‌نمایی و کنش‌آفرینی در راستای شناساندن شخصیت سیف‌الدوله به‌عنوان نقش اول روایت‌ها دارد. رمزگان ضمنی، نمادین و فرهنگی نیز در راستای معرفی سیف‌الدوله نقش‌آفرینی می‌کنند. رمزگان ضمنی، مدلول‌هایی را بر محور شخصیت اصلی یعنی سیف‌الدوله و یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های فرعی یعنی متنبی ارائه و خصوصیات پنهان در وجود آن‌ها را آشکار می‌سازد. رمزگان‌های نمادین نیز با ارائه‌ی واحدهای تقابلی به نوعی نیک‌نمایی از این دو شخصیت در برابر دشمنان‌شان می‌پردازند و مهم‌ترین شاخصه‌ی سیف‌الدوله را قدرت او در برابر ترس و ضعف دشمنان و شاخصه‌ی اصلی متنبی را قدرت سرایندگی وی در برابر رقیبان شاعرش که تنها کارشان سرقت ادبی از وی بوده است، بیان می‌دارند. رمزگان فرهنگی نیز به‌عنوان رمزگان کلان از مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی و اخلاقی در آن دوره عنصر اعتقاد، قدرت و تکسب و هم‌چنین تملق را معرفی می‌نماید. براساس کارکردهای معنایی رمزگان به‌کارگرفته در متن می‌توان به‌طور کلی چنین برآورد نمود که رمزگان هرمنوتیکی یا معنایی به‌همراه رمزگان پروآیرتیکی یا کنشی در پی همراه‌ساختن خواننده از طریق معناسازی و روای‌گری هستند و رمزگان نمادین، ضمنی و فرهنگی نیز با معناسازی، نویسابودن متن را تأیید می‌نمایند.

#### پی‌نوشت‌ها

- 1- Hermeneutic codes
- 2- Proaertic ciphers
- 3- Meaningful passwords
- 4- Symbolic passwords
- 5- Cultural codes
- 6- Significance

#### کتابنامه

1. نهج البلاغه.

2. آلن، گراهام. (1392ش). رولان بارت. ترجمه‌ی پیام یزدانجو. چاپ دوم. تهران. نشر مرکز.
3. احمدی، بابک. (1398). ساختار و تأویل متن. چاپ بیست و یکم. نشر مرکز.
4. احمدی، بابک. (1399). از نشانه‌های تصویری تا متن. چاپ هجدهم. نشر مرکز.
5. اصفهانی، سیدمرتضی. (1386). کاوش‌های نحوی و ادبی (شرح کامل مغنی‌اللبیب). ج 1. مؤسسه بوستان کتاب.
6. ایکو، امبرتو. (2005). السیمیائیة وفلسفه اللغة. ترجمه احمد الصمعی. الطبعة الأولى. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
7. برقوی، عبدالرحمان. (بی تا). شرح دیوان منتبئی. بیروت: دارالکتب العربی.
8. بینز، نورمان. (م1950). الإمبراطوریة البیزنطیة. تعریب: حسین مؤنس و محمود یوسف زاید. الطبعة الأولى. القاهرة - مصر: مطبعة لجنة التألیف والترجمة والنشر.
9. پین، مایکل. (1392). بارت و فوکو و آلتوسر. ترجمه‌ی پیام یزدانجو. تهران: چاپ چهارم. مرکز.
10. تشاندلر، دانیال. (2008م). أسس السیمیائیة. ترجمه طلال وهبه. الطبعة الأولى. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
11. الدسوقی، عبدالعزیز. (2006م). ابوطیب المنتبئی. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسة.
12. رزمجو، حسین. (1374). انواع ادبی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
13. شعیری، حمیدرضا. (1393). تحلیل نشانه معناساختی تصویر. چاپ اول. نشر علم.
14. صفوی، کورش. (1397). تعبیر متن. تهران: نشر علمی.
15. گرمس، آلزیرداس ژولین. (1389). نقصان معنا. ترجمه: حمیدرضا شعیری. چاپ اول. انتشارات نشر علم.
16. گیرو، پی‌یر. (1380). نشانه‌شناسی. ترجمه: محمد نبوی. چاپ اول. تهران: آگه.
17. الفاخوری، حنا. (1392). تاریخ الأدب العربی. چاپ هفتم. تهران: توس.
18. المنتبئی، احمدبن‌الحسین. (1046ق). دیوان المنتبئی. بیروت: دارصار.
19. میرعبادی، سیدعلی. (1384). فرهنگ توصیفی نشانه‌شناسی. چاپ اول. تهران: معرفت و زبان‌آموز.
20. وزین‌پور، نادر. (1374). مدح داغ ننگ در ادب فارسی. تهران: معین.
21. الوصیف، ابراهیم، الوصیف، هلال. (2006م). التصویر البیانی فی شعر المنتبئی. القاهرة: مكتبة وهبة.
22. الیازجی، ناصیف. (بی تا). العرف الطیب فی شرح دیوان ابی‌الطیب. بیروت: دارصادر.
23. آذرشب، محمدعلی. امین مقدسی، ابوالحسن. نیازی، شهریار. بیات، موسی. (1396). «نشانه‌شناسی عنوان قصیده (حفر علی یاقوت العرش) سروده محمدعلی شمس‌الدین». مجله زبان و ادبیات عربی. دوره 9. شماره 16.

صص 1-26. Doi: 16.62327I8JALL.V/10.22067

منابع لاتین:

- Chandler, Daniel. (1995). **Semiotics for Beginners**. Landon: Routledge.
- Danesi, Marcel. (2004). **Messages, Signs and Meanings**. Toronto: Canadian Scholars Press Inc.
- Barthes, Roland. (1970). **S/Z**. Paris: Seuil.
- Barthes, Roland. (1980). **Sad. Fourier. Loyola**. Paris.
- Trifonas P.P. (2001). **Barthes and the Empire of Signc**. Series Editor: R. Appignanesi. UK and USA: Icon Books, and Totem Books.

#### References

1. Nahj al-Balagha. [In Arabic]
2. Ahmadi, Babak. (2018). Text structure and interpretation. 21st edition. Center publication. [In Persian]
3. Ahmadi, Babak. (2019). From visual signs to text. 18th edition Center publication. [In Persian]
4. Allen, G. (2012). Roland Barthes. Translation of Payam Yazdanjo. second edition. Tehran. Center publication. [In Arabic]
5. Al-Dasuqi, Abdul Aziz. (2006 AD). Abu Taib al-Mutanabi. Beirut: Al-Arabiya Foundation for Studies. [In Arabic]
6. Alfa Khouri, Hana. (2012). History of Arabic literature. The seventh edition. Tehran: Tos. [In Arabic]
7. Al-Mutanbi, Ahmad bin Al-Hussein. (1046 AH). Diwan al-Mutanabi Beirut: Darsar. [In Arabic]
8. Al-Wasif, Ibrahim, Al-Wasif, Hilal. (2006 AD). Al-Mujab al-Bayani in al-Mutanabi's poetry. Cairo: Wahba School. [In Arabic]
9. Azarshab, Mohammad Ali. Amin-Moghdisi, Abolhassan. Niazi, Shahriar. Bayat, Moses. (2016). "The semiotics of the title of the ode (Hafr<sup>o</sup> Ali Yaqut al-Arsh) composed by Muhammad Ali Shams-al-Din" *Arabic language and literature magazine*. Volume 9. Number 16. pp. 1-26.  
doi: 10.22067/JALL.V8I16.62327. [In Persian]
10. Barquqi, Abdurrahman. (without). Description of Diwan Mantabi. Beirut: Dar al-Kitab-al-Arabi. [In Arabic]
11. Baynes, N. (1950 AD). Byzantine Empire. Translated by: Hossein Mounes and Mahmoud Yusuf Zayed. first edition Cairo - Egypt: Authoring, Translation and Publishing Committee Press. [In Arabic]
12. Chandler, D. (2008). The basis of al-Simaiyeh. Translated by Talal Wehbe. first edition Beirut: Al-Wahda Al-Arabiya Center for Studies. [In Arabic]
13. Esfahani, Syed Morteza. (2007). Syntactic and literary explorations (full description of Mughni-al-Labib). C1. Bostan Kitab Institute. [In Persian]
14. Eliazji, Nasif. (without). Al-Araf al-Tayib in the description of Abi-al-Tayib's court. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
15. Giro, P. (2001). semiotics Translation: Mohammad Nabavi. First Edition. Tehran: Ad. [In Persian]

16. Grems, A. J. (2010). lack of meaning Translation: Hamidreza Shayiri. First Edition. Science Publications. [In Persian]
17. Iko, U. (2005). Al-Simaiyyeh and philosophy of language. Translated by Ahmad Al-Samai. first edition Beirut: Al-Wahda Al-Arabiya Center for Studies.
18. Mirabadi, Seyyed Ali. (2005). Descriptive culture of semiotics. First Edition. Tehran: Marafet and language learner. [In Persian]
19. Payne, M. (2012). Barthes, Foucault and Althusser. Translation of Payam Yazdanjo. Tehran: 4th edition. Center. [In Persian]
20. Razmjoo, Hossein. (1995). Literary types. Mashhad: Ferdowsi University. [In Persian]
21. Safavi, Koresh. (2017). Interpretation of the text. Tehran: Scientific Publication. [In Persian]
22. Shayiri, Hamidreza. (2013). Analysis of the semantic sign of the image. First Edition. Science publication. [In Persian]
23. Vezinpour, Nader. (1995). Hot praise and shame in Persian literature. Tehran: Moin. [In Persian]

پیشین انتشار